

تاریخ خط عربی در جهان و ایران

خطهای قدیم ناخوانده و نیمه خوانده در اروپا و ایران

علیقلی اعتماد مقدم

موضوع اعمال اغراض سیاسی و تژادی حقیقتی است که چه نوشته باشند و چه ننوشته باشند از سبک نگارش هر یک از این صاحب نظران پدیدارست. ولی آنچه مسلم می باشد از این تحقیقات ممتد و دامنه دار، چه در آنها اعمال غرض شده و یا نشده باشد، نتیجه قطعی تاکنون حاصل نشده و نتوانسته اند مشکلات خط حرفی را از نظر تاریخ و انتشار و اقتباس و اختلاف اشکال حروف و تعلیم و تحریر و چاپ، چنانکه باید و شاید حل و فصل نمایند و راهی برای انتقاد خرده گیران جز انس و عادت و تمسک به سنت های قدیمی باقی نگذارند.

درینگر در کتاب مفصل الفبای خود^۱ که بیش از شصت صفحه و دوست و پنجاه و دو گراور دارد هنوز موضوع تاریخ خط حرفی را در جهان حل نشده می داند و انتظار دارد که دانشمندان امریکا دنباله تحقیق خود را راجع به تاریخ خط ادامه دهند، چنانکه می نگارد:

« خطوط الفبائی واصل آنها در خود، تاریخی دارد. آن خطوط برای تحقیق، میدان جدیدی عرضه می دارند که دانشمندان امریکائی بر آن شده اند که آنرا الفبانشناسی (Atpdabelotogy) اصطلاح کنند. هیچ یک از شیوه های نگارش، چنین دامنه وسیع و پیچیده و جالبی برای خود ندارد و این نویسنده در قسمت اخیر همین کتاب کوشش خواهد کرد که اصل و تحولات این مرحله اخیر و مهم خط را شرح دهد. »

نقل از کتاب الفبای درینگر، صفحه ۳۷
علت اینکه هیچ یک از دانشمندان متبحر و حتی درینگر، در کتاب مفصل الفبای خود که در مدت یک سال دوبار تجدید چاپ شده به قاطع بودن نظریات خود اطمینان ندارند و امیدوار تحقیقات آینده می باشند اینست که هر وقت مدرک بی سابقه ای

فهرست کلیات مطالبی که در سه مقاله گذشته با کمال اختصار بیان شده، برای یادآوری و ربط آن مقالات با این مقاله بترتیب قدمت روایات تذکر می دهیم:

(۱) فرشته ای می خواست به یکی از پیغمبران خواندن یاد بدهد؛

(۲) تذکری راجع به علم تجوید یا صداشناسی در هند و ایران، و مقاطع دهان و ترتیب فنی حروف از حلق تا برآمدگی لب؛
(۳) در قرن شانزدهم میلادی در هند گفته اند که خط سنسکریت را از زبان و دهان گرفته اند؛
(۴) از قرن هفدهم در اروپا خواسته اند الفبائی از روی دهان بسازند و نیز کتابی نوشته اند که خط عبری از روی زبان و دهان ساخته شده است؛
(۵) در اواسط قرن نوزدهم در انگلستان الفبای دیگری ساخته اند؛

(۶) از اواخر قرن نوزدهم بررسی تاریخ الفبا سبک دیگری بخود گرفته و اختلاف نظرهای بسیاری پیدا شده است؛
(۷) آنچه در نتیجه بررسی تاریخ الفباهای مختلف جهان در مدت یک قرن معلوم و مسلم شده اینست که همه الفباها از یک اصل مشترک پیدا شده اند و حال باید در پی آن اصل مشترک بود؛
(۸) نظریه ای که بیشتر از همه اکنون شهرت دارد، موضوع سامی بودن اصل الفباست؛

(۹) اصطلاح نسبتاً جدید آلفا بتا و نام حروف و تلفظ آنها؛
(۱۰) افسانه اقتباس الفبا از فنیقیان.

باری از مطالعه کتب مفصل و مقالات راجع به تاریخ الفبا و چگونگی پیدایش حروف و غیره - گذشته از موضوع اصل مشترک همه الفباهای جهان - اختلاف نظر بسیار میان محققین مشاهده میشود و صاحب هر نظریه ای در نوشته های خود سعی دارد که صاحبان نظریات دیگر را به اعمال اغراض تژادی و سیاسی و مذهبی در مورد تاریخ الفبا منتهم نماید.

(1) David Dringer, D. Litt. (Flor.) M.A. (Cantab.)
The Alphabet, London New York, 1949 Hutchinson's Scientific and Technical Publications.



دو نمونه از آثار خطی اتروسکی

در گوشه‌ای از این جهان پهناور پیدا میشود نظریات سابق دانشمندان را متزلزل می‌کند و ما برای نمونه ، سنگ‌نبشته‌ای را که اخیراً در افغانستان پیدا شده و خطی شبیه به خط یونانی و اتروسکی و روسی دارد در اینجا می‌آوریم ؛ ولی پیش از اینکه راجع به خط آن سنگ‌نبشته تذکری بدهیم لازمست شرح مختصری راجع به خط اتروسکی و خط رونی بیان نمایم .

الفبای اتروسکی : پیش از ظهور رومیان در صحنه تاریخ تمدن جهان و بنای شهر رم در ۷۴۷ پیش از میلاد ، قومی بنام اتروسک در شمال شبه جزیره ایتالیا سکنی داشتند که تاکنون نژاد و زبان و دین آنها و همچنین سرزمینی که از آنجا به شمال ایتالیا مهاجرت کرده‌اند معلوم نیست و نیز نمی‌دانیم که کلیات تاریخ این قوم از نظر زبان و نژاد و دین و مهاجرت چه ضرر و زیانی برای سبک تاریخ آیندگان داشته که آنرا بکلی از میان برده‌اند .

محالست تصور کرد که رومیانی که جانشینان اتروسکها بودند در نوشته‌های خود یادی از زبان و نژاد و خط و تمدن آنها نکرده باشند و یا اینکه بگوئیم که این قوم ، نژاد و زبانی غیر از رومیان و یا اقوام دیگری که از آنها اطلاع داریم داشته‌اند که این روزها نمی‌توان به زبان و در نتیجه به نژاد آنان دسترسی پیدا کرد .

باری در حفاریهای یکی دو قرن اخیر ، باستان‌شناسان آثاری از این قوم به دست آورده‌اند که از تمدن درخشان آنها قرن‌ها پیش از تاریخ بنای شهر رم حکایت میکند و از مهمترین این آثار باستانی همانا آثار خطی بسیاری است که با موضوع بحث ما در این چند مقاله ارتباط کامل دارد .

تاکنون بیش از نه هزار نوشته مفصل و مختصر با خط اتروسکی در ایتالیا و حتی در مصر و کارتاژ بدست آمده است که مفصل‌ترین آنها نوشته‌ایست که ۱۵۰۰ کلمه دارد و روی پارچه کتانی نوشته شده که یکی از مومیائیهای مصری را در آن پیچیده بودند .

راجع به اینکه خط اتروسکی از کدام کشور آمده و اصل آن چه بوده ، اختلاف نظر بسیارست که شرحش از گنجایش مقاله ما بیرون می‌باشد و یکی از این حدسیاتی که در این باب گفته شده ، بطور مبهم و کلی اینست که خط اتروسکی از شرق گرفته شده‌است !

با وجودی که مدتیست سیاهی از شرق‌شناسان دانشمندان متبحر ، خطوط غیر الفبائی نام‌آنوس بی‌مفتاح میخی و نقشی چند هزار سال پیش از میلاد را خوانده و متون آنها را ترجمه کرده‌اند ، عجب اینست که تاکنون موفق نشده‌اند که خط ساده حرفی اتروسکی را که نظایر زنده‌ای از آن در دست است بخوانند ؟ !

بنظر ما این عجز و اهمالی که دانشمندان در راه خواندن

نوشته‌های اتروسکی از خود نشان داده‌اند نمی‌تواند جز دو علت اصلی داشته باشد :

یا اینکه خواندن آنها بصلاح و صرفه سبک تاریخ‌نویسی یکی دو قرن گذشته نبوده‌است و چنین حدسی بعید بنظر می‌آید ؛ و یا اینکه راهی را که برای بررسی تاریخ خط پیش گرفته‌اند راهی غلط و در جهت مخالف مقصد بوده‌است .

معلوم است که اگر با در نظر گرفتن تلفظ حدسی حروف سنگ‌نبشته مشکوک مؤابی و یا تطبیق تلفظ کنونی حروف خط یونانی و لاتین با حروف اتروسکی نتوانیم به نتیجه‌ای برسیم در این صورت باید از راه علم صداشناسی قدیم و مقاطع دهان ، در حل این مسئله مهم تاریخی و فرهنگی وارد شویم .

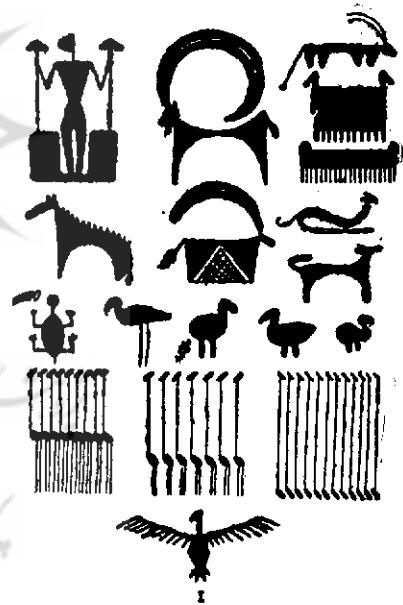
برای توضیح پیشنهاد فوق لازمست در اینجا اضافه کنیم که مثلاً اگر رسم مقاطع مخارج حروف در نظر گرفته شود اشکال حروف Ch, M, E (ش) و S (س) و W شباهت بهم پیدا خواهد کرد . و لهذا اگر در خواندن کتیبه‌ای

(1) Organic Alphabet. Solution of the problem of Illiteracy and a Universal Alphabet. (M. Moghadam), The Iranian Society, Tehran, Iran, 1947.

از کتیبه‌های اتروسکی فقط و فقط تلفظ کنونی M را برای حرفی که شباهت به M یونانی دارد در نظر بگیریم به نتیجه‌ای نخواهیم رسید. زیرا ممکنست این حرف، تلفظ یکی از چهار صدای دیگر را در خط اتروسکی داشته باشد.

تغییری که در تلفظ برخی از حروف لاتین و یونانی در زبانهای دیگر پیدا شده است امروز برای ما واضح می‌باشد و ازینرو نمی‌توان یقین داشت که در نقل و اقتباس الفبا از خارج برای زبان یونانی و یا بعدها از نظر اغراض سیاسی و مذهبی، تلفظ اصلی برخی از حروف را تغییر نداده باشند. در این صورت تنها راهی که برای چنین روشی بجهت بررسی وجود دارد همانا علم تجوید قدیم خواهد بود که کتب مفصلی بزبان سنسکریت و عربی و فارسی از آن در دست می‌باشد.

برای اینکه تصور نشود که پیشینیان در رسم اشکال حروف از روی حرکات زبان و دهان عجزی داشته‌اند، در اینجا لازم می‌دانیم که نمونه‌ای از نقاشیهای چند هزار سال پیش را که تا امروز هم مورد توجه استادان هنرست از کتاب درینگر^۱ نقل کنیم.



آثار هنری جنوب غربی ایران که اخیراً آنرا عیلامی اصطلاح کرده‌اند

کتب صداشناسی قدیم و مقاطعی که از جهاز سخنگویی برای ما بیادگار گذاشته‌اند اطلاعات عمیق پیشینیان را در این علم که اخیراً در اروپا رواج پیدا کرده می‌رساند.

الفبای رونی: در شبه‌جزیره اسکاندیناوی و دانمارک و سرزمینهای اقوام ژرمنی، خطی تقریباً شبیه به خط اتروسکی

بنام رونی (رمزی) معمول بوده است. ازقراری که نوشته‌اند این خط از قرن ششم پیش از میلاد تا قرن اخیر، در این کشورها رواج داشته؛ ولی برخی گفته‌اند که قدمت این خط از قرن دوم میلادی تجاوز نمی‌کند. همچنین گفته‌اند که این خط از خط یونانی و لاتین ترکیب و اقتباس شده ولی برخی این نظریه را نپذیرفته و گفته‌اند که اصل این خط، خط اتروسکی است.

معلومست که اگر ثابت شود که خط رونی قدمتش در حدود خط اتروسکی است آنوقت بنظر یاتی که راجع به خط فینیقی و یونانی اظهار شده لطمه وارد می‌آورد.

آثار ادبی که با خط رونی نوشته شده باشد تا کنون بدست نیامده و نسخه‌های خطی با خط رونی - جز کتاب دعا - کمیابست. ولی تقویم رونی که تا قرن نوزدهم میلادی بکار می‌رفته خالی از اهمیت نمی‌باشد.

خلاصه، خط رمزی رونی برای نوشتن نام هنرمندان و نام صاحبان اسلحه و زیورآلات و همچنین پیشگوئی از حوادث و پیام‌ها و غیره معمول بوده و رویهمرفته می‌توان پذیرفت که این خط اصلاً برای مقاصد مذهبی بکار می‌رفته است.

با وجودی که خط رونی تا اوایل قرن گذشته در شمال غربی اروپا معمول بوده راجع به تلفظ برخی حروف آن اختلاف نظرهایی وجود دارد که بنظر ما باید درآینده از راه مراجعه به علم تجوید و رسم مقاطع مختلف دهان حل شود.

قابل توجه است که خط رونی شیوه‌های مختلفی دارد که برای بررسی آن باید به کتابهای مخصوص مربوط به این خط رجوع کرد و ما در اینجا فقط به نقل یکی از جدولهای درینگر^۲ می‌پردازیم و بحث در اختلاف اشکال حروف و اختلاف تلفظ آنها را به جویندگان این موضوع مهم واگذار می‌کنیم تا خود، اشکالاتی را که در خواندن نوشته‌های اتروسکی و رونی پیش خواهد آمد دریابند.

پس از شرح مختصری راجع به خط اتروسکی و رونی می‌توانیم که داخل بحث درباره کتیبه سرخ کوتل که در ۱۹۵۷ در افغانستان پیدا شده بشویم.

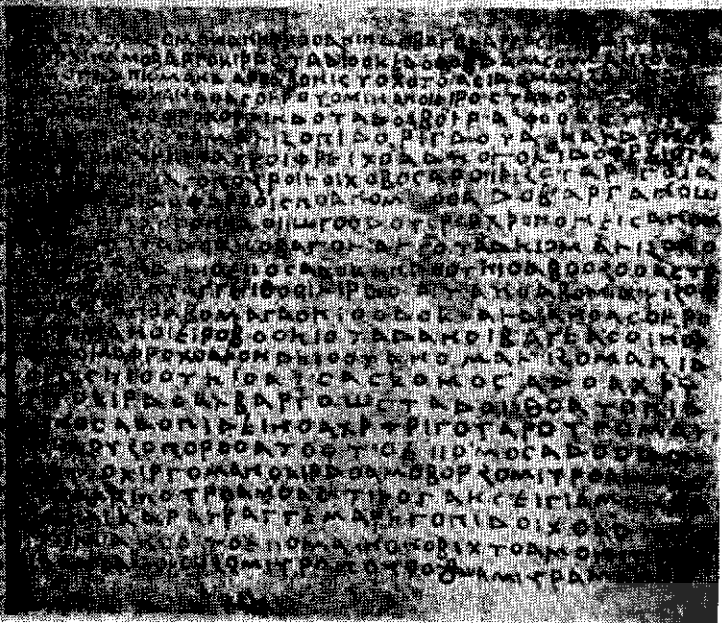
اگرچه در اروپا در چند سال اخیر، چندین مقاله و رساله راجع به این سنگ نوشته نوشته شده است که مهمترین آنها بنظر ما رساله‌ای است که هومباخ^۳ در ۱۹۶۰ منتشر کرده است ولی در اینجا ترجیح داده‌ایم که کلیات مربوط به خط و ترجمه این

۱ - نقل از صفحه ۵۴ کتاب الفبای درینگر.

۲ - نقل از صفحه ۵۱۴ کتاب الفبای درینگر.

(3) Die Kaniska - Inschrift von Surkh - Kotal. (H. Humbach), Otto Harrassowitz. Wiesbaden, 1960.

نسخه اول کتیبه لغمان، منقوش بر یک سنگ کلاان در سوزه کامل



سنگ نبشته سرخ کوتل - نقل از رساله مادر زبان

در صورتیکه معلوم نیست که تمام حروف الفبای مخصوص به آن لهجه ایرانی قدیمی در این سنگ نبشته بکار رفته باشد، با اینهمه حروف آن از الفبای قدیم یونانی بیشترست و هم چنین ملاحظه میشود که در خواندن برخی از کلمات، تلفظی را که با اتکاء به تلفظ حروف یونانی برای شکل حرفی تصور کرده اند، مفهوم کلمه را در جمله بی معنی می سازد.

Names of letters	Phonetic values	Common Teutonic	Nordic Runes	Anghan Runes
fē, fē, feh, feoh	f, w, f	F F F F	F F F F	F F F
ūr, ūr, hur	u, o, w	A A A A	A A A A	A A
þorn, þurs	þ, ð, th, d	D D D D	D D D D	Þ
asc, aesc, ōs, ós, ūc	a, a, ae, á, ó, u	A A A A	F F F F	H F H, F, F
rad, rat, reid, rád, yr	r, R(y)	R R R R	R R R A	R R
kaun, cen	k, g, ng, c	C C C A	F F F F	A A
gebo, gifu, gát	g, ɣ, g', g'	X X		X X, X, X
wen	v, w	W W		W W
hagl, hagall	h, x	H H H H	H H H H	H H H
nuot, nŷd, nod	n	N N N N	N N N N	N N
is, iss	i (i?), y, e	I I I I	I I I I	I I
ǣr, ȳr, gēr	a, y, æ, j	Y Y Y Y	Y Y Y Y	Y Y Y, R
hic, ih, eoh, eo, ier	ih, i, eo, ch, é	H H H H		Z Y S, F
ƿeorð, pere	ƿ	W W W	K	H E E E
hliz, calc, colæcg	a, l, k, x, z, R	Y T X		Y Y
sigil, sigel, söl	s, z	S S S S	H Y F I	H H H
tyr, tyr	t, d, nd	T T T	T T T T	T T
berc, berid, bjarkan, beorc	b, p, mb	B B	B B B B	B B
haec, ecb, eh	ä, z	M M M		M M
mađt, man	m	M M	F F F F F F F F	M M
logr, lagu	l	L L	L L L L	L L
ing	ng	G G G G G G		G G G
dag, daeg	d, t	D D D D D D D D		M M
ǣpel, óthil	o, oe, ōc, é	O O O O		A A
car	ca			T
eweord	q			Q
slān	st			S

۱ - مادر زبان دری، دولتی مطبعه، کابل، ۱۳۴۲.

نام و تلفظ و اشکال حروف رونی

تلفظی را که برای خواندن حروف این سنگ نبشته پیشنهاد کرده اند بترتیب اعدادی که در جدول آمده بشرح زیر است

- (۱) A (۲) B (۳) Π (۴) Φ (۵) T (۶) Ɔ (۷) X (۸) Δ (۹) P (۱۰) Z (۱۱) C (۱۲) Ɔ (۱۳) Ɔ X (۱۴) K (۱۵) Γ (۱۶) Γ Γ (۱۷) Ɔ (۱۸) M (۱۹) Π (۲۰) W (۲۱) O (۲۲) Ɔ (۲۳) E (۲۴) K (۲۵) فقهه A (۲۶) ضمه O (۲۷) کسره ا (۲۸) فاصله O

سنگ نبشته را از رساله استاد محترم عبدالحی حبیبی افغانی که در تألیف آن رنج فراوان برده اند نقل کنیم. بطوری که آن استاد محترم شرح داده اند در ۱۹۵۱ میلادی در هنگامی که در افغانستان راهسازی می کردند تکه سنگهایی که روی آنها خطوطی شبیه به خط یونانی کنده شده بود بدست آمد. پیدا شدن این پاره سنگها باعث شد که در آن منطقه کاوش منظم تری بکنند و در نتیجه در ۱۹۵۷ سنگ نبشته ای چهارضلعی با همان رسم الخط کشف شد که مساحت سطح آن بیش از یک متر مربع می باشد.

(۱) الف ، (۲) ب ، (۳) پ ، (۴) ف ، (۵) ت ،
 (۶) th ، (۷) خ ، (۸) د ، (۹) ر ، (۱۰) ز ، (۱۱) س ،
 (۱۲) ش ، (۱۳) شخ ، (۱۴) ك ، (۱۵) گك ، (۱۶)
 نگك ، (۱۷) ل ، (۱۸) م ، (۱۹) ن ، (۲۰) W ، (۲۱)
 O ، (۲۲) ه ، (۲۳) ی ، (۲۴) E ، (۲۵) فتحه ، (۲۶)
 ضمّه ، (۲۷) كسره ، (۲۸) فاصله .

این اشکالات تقریباً همان اشکالاتی است که در خواندن خطوط اتروسکی و رونی پیش آمده است و در خطوط الفبائی جهان هم تا امروز مشاهده می‌کنیم . مثلاً اگر الفبای معمولی لاتین را در نظر بگیریم می‌بینیم که شکل حرف Ci در زبانهای مختلف اروپائی دارای چهار صدای مختلف س و ش و ك و چ می‌باشد و گاهی هم خوانده نمی‌شود و هیچ میزان فنی و علمی هم در دست نیست که از روی آن بتوانیم تشخیص دهیم که این شکل در اصل چه صدائی را داشته است .

راجع به تاریخ و اصل خط روسی نیز اختلاف نظر بسیار است و چندین نفر از دانشمندان روسی سابقاً این نظریه را که خط روسی مستقیماً از یونانی گرفته شده است نپذیرفته‌اند و شاید کشف این سنگ نبشته که یقین است نظایر بسیاری دارد ، کمک شایانی به روشن شدن تاریخ الفبا و مخصوصاً تاریخ خط روسی و چند خط دیگر بنماید .

چون در این چند مقاله‌ای که در مجله هنر و مردم راجع به تاریخ خط نوشته‌ایم و نیز خواهیم نوشت مقصود ما فقط بحث راجع به تاریخ الفبا و اشکالات آنست لازم نمی‌دانیم که داخل در موضوع زبان و تاریخ کتیبه بشویم و جویندگانی که خواستار اطلاع بیشتری راجع به این کتیبه هستند لازمست به رساله فارسی استاد عبدالحی و رساله هومباخ مراجعه فرمایند ؛ زیرا که در این دو رساله از مقالات و رساله‌های دیگری که راجع به این سنگ نبشته نگاشته شده است نام برده و نقل کرده‌اند . اینک ترجمه سنگ نبشته را که بنظر استاد عبدالحی حبیبی ، مادر زبان دری و فارسی است از روی آن رساله نقل می‌کنیم :
 « اینست مادر کانیشکای بهره‌ور : بغلان . که (آنرا) شاه بزرگ کانیشکای نامور کرد (ساخت) .

زودی شد ، و فوراً (این) مادر تمام کرده شد . تا که (بالاخره ازین) معبد آب نیست شد . (و) چنین (این) مادر

بی‌آب (خشك) ایستاد (شد) . و (چون) رب‌النوع نیکوی مقدس آتش معطل ماند .

پس خداپرستان نوشاد تپاه شدند (رفتند) . چون جویهای آب ایستادند (خشك شدند پس) آب‌اندك شد و مادر پدرو گشت . تا که نوکوتروك کنارنگ فبر اخدای (مقرر از طرف شهن‌شاه) فریستار آب شاه فغفور (شاه خداوندزاده) لویك بوسر (بن) شیزو گرگ‌اروا شاد (شادروان) که همواره نامور باد ، با اراده مهیا (قوی) به سی‌ویکم سال سلطنت . هنگام نیسان ماه . به بغلان آمد . و این مادر را پرورید . تا که يك چاه کند . و از آن آب بر آورد . و آن را به تهداب سنگی قایم کرد ، چنین آب مادر پوره شد و آب نه‌کاهیده و چون رب‌النوع نیکوی مقدس آتش وجود داشته باشد ، پس خداپرستان نوشاد تپاه نخواهند شد (نخواهند رفت) و مادر پدرو نخواهد شد (پس چون) آن چاه‌خام کوب‌را خشت‌ریز کرد . بنیاد و رابستاد شد . بدین چاه (و) بدین خشت‌ریز ، همه مادر نیک پرورده شد . و يك چاه و صحن بزرگ کرد (ساخت) .

منم بورزومهر . منم کوز کاشکی‌پور . منم رئیس گانسیگیسیم (؟) :

نو کونزیکی کنارنگ ماریگ ، به فرمان خدای (بفرمان) ایمن نوبخت . منم مهره من . منم بورزومهر پور امهره من . در پایان این مقاله لازم می‌دانیم که ذکر از رساله‌ای که راجع به اصل الفبا و قدمت خط اوستا ، سهراب جمشیدجی بولسارا به انگلیسی درسی صفحه تألیف کرده است بنمائیم . بنظر این دانشمند زردشتی که در راه مطالعه تاریخ الفباهای جهان رنج بسیار برده ، خط اوستا هم مثل خطهای دیگر از روی اشیاء معمولی که نزد پیشینیان مانوس بوده ساخته شده است . روی هم‌رفته این دانشمند نظیر همان راهی را که در غرب برای پیدا کردن اصل الفبا پیش گرفته‌اند دنبال کرده و بنظر خود ثابت نموده است که الفبای اوستا مستقلاً حروفش رسم شده و دارای قدمت بسیار می‌باشد .

برای نمونه قسمتی از يك جدول از جدولهای آن رساله را برای تکمیل مطالب این مقاله می‌آوریم .

دنباله دارد

PLATE I: DERIVATION OF FROM THE AVESTAN

ENGLISH VALUES	1		2		3		4		12		18		14	
	AVESTAN LETTERS AFTER PRIMARY FORMS		AVESTAN LETTERS IN PRIMARY FORMS		AVESTAN NAMES OF PRIMARY FORMS		MEANINGS OF AVESTAN AND EGYPTIAN NAMES		ANCIENT MAYA AFTER LE PLONGEON		ANCIENT SUMERIAN AFTER G.A. BARTON (6000 B.C.)		FORMS BETWEEN AVESTAN SUMERI	
1. A	ا	𐬀	𐬀	𐬀	𐬀	𐬀	𐬀	𐬀	𐬀	𐬀	𐬀	𐬀	𐬀	𐬀
2. B	ب	𐬁	𐬁	𐬁	𐬁	𐬁	𐬁	𐬁	𐬁	𐬁	𐬁	𐬁	𐬁	𐬁
3. G	گ	𐬂	𐬂	𐬂	𐬂	𐬂	𐬂	𐬂	𐬂	𐬂	𐬂	𐬂	𐬂	𐬂
4. D (Dz)	د	𐬃	𐬃	𐬃	𐬃	𐬃	𐬃	𐬃	𐬃	𐬃	𐬃	𐬃	𐬃	𐬃
5. E	ه	𐬄	𐬄	𐬄	𐬄	𐬄	𐬄	𐬄	𐬄	𐬄	𐬄	𐬄	𐬄	𐬄
6. F	ف	𐬅	𐬅	𐬅	𐬅	𐬅	𐬅	𐬅	𐬅	𐬅	𐬅	𐬅	𐬅	𐬅
7. H	ح	𐬆	𐬆	𐬆	𐬆	𐬆	𐬆	𐬆	𐬆	𐬆	𐬆	𐬆	𐬆	𐬆
8. Kh X	خ	𐬇	𐬇	𐬇	𐬇	𐬇	𐬇	𐬇	𐬇	𐬇	𐬇	𐬇	𐬇	𐬇
9. Ch	چ	𐬈	𐬈	𐬈	𐬈	𐬈	𐬈	𐬈	𐬈	𐬈	𐬈	𐬈	𐬈	𐬈
10. I	ی	𐬉	𐬉	𐬉	𐬉	𐬉	𐬉	𐬉	𐬉	𐬉	𐬉	𐬉	𐬉	𐬉
11. K L	ک	𐬊	𐬊	𐬊	𐬊	𐬊	𐬊	𐬊	𐬊	𐬊	𐬊	𐬊	𐬊	𐬊
12. M	م	𐬋	𐬋	𐬋	𐬋	𐬋	𐬋	𐬋	𐬋	𐬋	𐬋	𐬋	𐬋	𐬋
13. N	ن	𐬌	𐬌	𐬌	𐬌	𐬌	𐬌	𐬌	𐬌	𐬌	𐬌	𐬌	𐬌	𐬌
14. O	و	𐬍	𐬍	𐬍	𐬍	𐬍	𐬍	𐬍	𐬍	𐬍	𐬍	𐬍	𐬍	𐬍
15. P	پ	𐬎	𐬎	𐬎	𐬎	𐬎	𐬎	𐬎	𐬎	𐬎	𐬎	𐬎	𐬎	𐬎
16. Q (Kw)	ق	𐬏	𐬏	𐬏	𐬏	𐬏	𐬏	𐬏	𐬏	𐬏	𐬏	𐬏	𐬏	𐬏
17. R	ر	𐬐	𐬐	𐬐	𐬐	𐬐	𐬐	𐬐	𐬐	𐬐	𐬐	𐬐	𐬐	𐬐
18. S	س	𐬑	𐬑	𐬑	𐬑	𐬑	𐬑	𐬑	𐬑	𐬑	𐬑	𐬑	𐬑	𐬑
19. Sh	ش	𐬒	𐬒	𐬒	𐬒	𐬒	𐬒	𐬒	𐬒	𐬒	𐬒	𐬒	𐬒	𐬒
20. T	ت	𐬓	𐬓	𐬓	𐬓	𐬓	𐬓	𐬓	𐬓	𐬓	𐬓	𐬓	𐬓	𐬓
21. U	و	𐬔	𐬔	𐬔	𐬔	𐬔	𐬔	𐬔	𐬔	𐬔	𐬔	𐬔	𐬔	𐬔
22. V	ف	𐬕	𐬕	𐬕	𐬕	𐬕	𐬕	𐬕	𐬕	𐬕	𐬕	𐬕	𐬕	𐬕
23. W	و	𐬖	𐬖	𐬖	𐬖	𐬖	𐬖	𐬖	𐬖	𐬖	𐬖	𐬖	𐬖	𐬖
24. Y	ی	𐬗	𐬗	𐬗	𐬗	𐬗	𐬗	𐬗	𐬗	𐬗	𐬗	𐬗	𐬗	𐬗
25. Z (Z)	ز	𐬘	𐬘	𐬘	𐬘	𐬘	𐬘	𐬘	𐬘	𐬘	𐬘	𐬘	𐬘	𐬘
26. Z	ز	𐬙	𐬙	𐬙	𐬙	𐬙	𐬙	𐬙	𐬙	𐬙	𐬙	𐬙	𐬙	𐬙
27. Zh	چ	𐬚	𐬚	𐬚	𐬚	𐬚	𐬚	𐬚	𐬚	𐬚	𐬚	𐬚	𐬚	𐬚

جدول خط اوستا (کتاب بولسارا)